[ Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12 ]
[ DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.207.0 ]
[ DOI: 10.61186/jgs.24.73.358 ]

نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و چهارم، شماره ۷۳، تابستان ۱۴۰۳

# تبیین مدل مفهومی سرزندگی محیطی: مطالعه تطبیقی در علوم اجتماعی و معماری و شهرسازی[1]

**دریافت مقاله:** ۹۹/۵/۱۷ **پذیرش نهایی:** ۱۴۰۲/۶/۹

**صفحات:** ۳۸۱-۳۵۸

**مریم صنعتگر کاخکی:** دانشجوی دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران.
**Email:** maryam.sanatgar.k63@gmail.com

**منوچهر فروتن:** منوچهر فروتن، استادیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران[2].
**Email:** m.foroutan@iauh.ac.ir

**محمدمهدی سروش:** استادیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران.
**Email:** soroush@iauh.ac.ir

**سارا جلالیان:** استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران.
**Email:** jalaliansara@yahoo.com

## چکیده

**سرزندگی یکی از مؤلفه‌های اصلی در طراحی می‌باشد، اما مفهوم پیچیده و چندوجهی است که در ابعاد گوناگون آن همپوشانی وجود دارد. بدین‌جهت با توجه به خلأ نظری آن در معماری و در نظر گرفتن میان‌رشته‌ای بودن آن، با کنار هم قراردادن و همپوشانی تفاوت‌ها و تشابه‌ها سرزندگی در حوزه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی با تعاریف در معماری و همچنین بررسی تفاوت سرزندگی با دیگر مفاهیم نزدیک به آن در معماری و شهرسازی شامل کیفیت‌زندگی، زیست‌پذیری و پایداری، در نهایت مدل تعریف سرزندگی و مدل عوامل سرزندگی محیطی ارائه شد. بدین‌جهت مقاله حاضر با پارادایم تفسیرگرا، رویکرد کیفی، روش تطبیقی و منطق استدلال قیاسی انجام شد که به لحاظ هدف نظری و نوع نتایج آن تبینی می‌باشد. هدف از این پژوهش پاسخ سؤالاتی پیرامون تعریف سرزندگی محیطی، رویکرد مناسب پژوهش پیرامون سرزندگی، مقیاس مناسب پژوهش سرزندگی، عوامل مؤثر بر سرزندگی محیطی و ارائه مدل تحلیلی- تطبیقی سرزندگی جهت ارزیابی آن می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، سرزندگی محیطی مفهومی نسبی وابسته به مکان و زمان می‌باشد که نمی‌توان عواملی را به‌طور مشخص برای سرزندگی همه مکان‌ها در همه کشورها و در همه دوره‌های زمانی بیان کرد بلکه باید عوامل به‌صورت محلی با توجه به مکان مشخص شود. عوامل مؤثر بر سرزندگی محیطی به‌دست‌آمده در این مقاله شامل مؤلفه‌های کالبدی، تجربی و زیباشناختی، اجتماعی می‌باشد و با توجه به فرهنگ جمع‌گرا و جایگاه شادی‌های جمعی در کشورمان توجه به عواملی از سرزندگی که باعث افزایش جنبه‌های اجتماعی فضا، جذب و مشارکت افراد شود می‌تواند راهگشا باشد.**

**واژگان کلیدی:** شادی، نشاط اجتماعی، مطالعه تطبیقی، سرزندگی محیطی

---

[1]. این مقاله برگرفته از رساله دکتری معماری تحت عنوان " سرزندگی محیطی بومی در مجتمع‌های تجاری: تدوین مدل ارزیابی عوامل معماری مرتبط با سرزندگی محیطی در مجتمع‌های تجاری شهر تهران " می‌باشد که به راهنمایی استادان دکتر منوچهر فروتن و دکتر محمد مهدی سروش و مشاوره دکتر سارا جلالیان در دانشگاه آزاد اسلامی همدان به انجام رسیده است.

[2]. **نویسنده مسئول:** همدان، بلوار امام خمینی، خیابان دانشگاه آزاد اسلامی، بلوار پروفسور موسیوند، ساختمان هنر و معماری، گروه معماری.

[ Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12 ]

[ DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.207.0 ]

[ DOI: 10.61186/jgs.24.73.358 ]

**مقدمه**

از آغاز تمدن، احساس نشاط و سرزندگی یکی از نیازهای اساسی بشر در تمامی فرهنگ‌ها به شمار رفته است. اگر شهر را به‌مانند یک موجود زنده فرض کنیم برای ادامه زندگی به سرزندگی و نشاط نیازمند است. نقش فضای شهری، یا به عبارتی فضایی که در آن تعاملات اجتماعی شهروندان شکل می‌گیرد و فرهنگ جامعه در بستر آن ارتقا می‌یابد، در کشور ما روزبه‌روز در حال افول است. یکی از رهیافت‌ها جهت حل مشکلات در فضاهای شهری در سطوح اجتماعی، اقتصادی، محیطی و فرهنگی، سرزندگی می‌باشد. پارادایمی که در آراء بسیاری از نظریه‌پردازان روان‌شناسی و مسائل شهری موردتوجه قرار گرفته است (Paul& Sen, 2018:142).

شادی فردی و جمعی برای ایجاد شهر شاداب و سرزنده لازم هستند، اما کافی نیستند و در کنار آن‌ها باید به مباحثی همچون معماری و شهرسازی نیز تأکید شود تا شادی فردی و جمعی با این موضوعات امتزاج یابد و باعث شادابی شهر گردند. عدم وجود سرزندگی در فضاهای شهری، نشاط و سلامتی را در زندگی روزمره مختل می‌نماید و با ایجاد مانع بر سر راه رشد و تعالی انسان، هزینه‌های زیادی را در ابعاد مختلف بر جامعه تحمیل می‌نماید.

سرزندگی انسان در شهرها، بر اساس رابطه دوسویه وی با محیط شهری شکل می‌گیرد و از آنجائی که سرزندگی در یک محیط می‌تواند با درجات مختلف و اشکال گوناگون ایجاد شود، لذا امکان ارائه تعریف جامع از سرزندگی که همه جوانب محیط را در بر گیرد کمی پیچیده و دشوار است؛ اما بهره‌مندی از اندیشه‌های دیگر حوزه‌ها مانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی در شفاف‌سازی ماهیت و تعریف سرزندگی محیطی سودمند است.

مفهوم سرزندگی در ابتدا در میان ادبیات عامه جای داشت و نخستین برخورد علمی با آن، در علوم‌اجتماعی و انسانی در سال ۱۹۶۰ رخ داد، سپس در سال‌های میانه ۷۰ میلادی که نقطه عطف تحقیقات از منظر روان‌شناسی محیط است، سرزندگی شهری در چکیده مقالات بین‌المللی معماری و شهرسازی و روان‌شناسی درج شد و سپس به‌صورت جدی، موضوع تحقیقات در این حوزه‌ها قرار گرفت.

از پیشینه پژوهش‌های مرتبط با موضوع تحقیق در کشورمان می‌توان، طرح پژوهشی محمدی (۱۳۹۴) با عنوان «سنجش سرزندگی در فضای شهری و ارائه راهکار»، مقاله طاهرطلوع دل و همکاران (۱۳۹۶) «مؤلفه‌های عامل ایجاد سرزندگی ساکنین فضاهای زیستی»، اخوان و همکاران (۱۳۹۷) «ارزیابی تأثیر عوامل محیطی- کالبدی بر سرزندگی و کیفیت خیابان‌های شهری» را به‌عنوان نمونه نام برد. با بررسی و واکاوی پیشینه‌های بیشتر این جمع‌بندی حاصل گردید که در تحقیقات صورت گرفته؛ عموماً عوامل مؤثر بر سرزندگی بر مبنا عوامل مطرح‌شده توسط تعدادی از نظریه‌پردازان به‌دست‌آمده و سپس به ارزیابی کمی سرزندگی پرداخته شده است، اما در اکثر این پژوهش‌ها خلأ عدم برخورداری از پشتوانه نظری تئوریکی در مفاهیم سرزندگی دیده می‌شود که بدون توجه به ماهیت نسبی این مفهوم و ارائه تعریف مشخص از آن و بدون در نظر گرفتن مقیاس محلی و رویکرد مناسب و داشتن جامعیت عوامل مؤثر بر سرزندگی، صرفاً با روش‌های کمی بی‌توجه به معیارهای کیفی به اندازه‌گیری سرزندگی پرداخته شده است. همچنین بررسی‌ها بیانگر این موضوع می‌باشد که علی‌رغم اینکه عده‌ای از نویسندگان به ارائه تعاریف کلی از سرزندگی‌محیطی

پرداخته‌اند اما بعضاً توافق کمی در ادبیات پژوهش بر موضوع وجود دارد و هنگام پژوهش پیرامون سرزندگی‌محیطی به اجزای مختلف بسیاری برخورد می‌شود که حاکی از عدم همگرایی در ارائه یک تعریف واحد و شناخت این مفهوم است و از دیگر سو تعداد کم مقالات و کتب نگارش شده به‌صورت تخصصی در این موضوع در ادبیات تخصصی معماری و شهرسازی ایران به این مشکل دامن می‌زند و این مفهوم نیز دارای ابعاد و پیچیدگی‌های زیادی است و هیچ چارچوب نظری واحد جهت مفهوم‌سازی این واژه وجود ندارد.

بدین‌جهت در این مقاله با توجه به میان‌رشته‌ای بودن مفهوم سرزندگی و پیشگام بودن روانشناسان و جامعه‌شناسان در تعریف سرزندگی، سعی بر آن شد که با روش مطالعه تطبیقی در سه حوزه روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، معماری و شهرسازی پاسخ سؤالات:۱-آیا سرزندگی معادل شادمانی است؟ ۲- تعریف سرزندگی محیطی چیست؟ ۳- ویژگی‌های فضاهای سرزنده چیست؟ ۴- رویکردها و مقیاس پژوهش پیرامون سرزندگی چیست؟ ۵- عوامل مؤثر بر سرزندگی محیطی چیست؟ ۶- روش‌های سنجش سرزندگی چگونه است؟ را به دست آوریم تا با شناخت بنیادی و کامل‌تر و زمینه‌های لازم جهت پژوهش‌های کاربردی در کشورمان فراهم آید.

## روش تحقیق

سرزندگی به‌عنوان موضوعی میان‌رشته‌ای است که حوزه محتوایی آن از پیچیدگی خاصی برخوردار است، لذا به علت گستردگی معنایی این مفهوم و نبود تعریفی جامع از آن این پژوهش با روش تطبیقی انجام شد. مطالعه تطبیقی «فرآیندی جامع، چندبعدی و نظام‌مند است که به دنبال یافتن تفاوت‌ها و شباهت‌ها در مورد پژوهش‌هاست» (Pickvance,2005). شناخت تطبیقی به‌جای آنکه یک عرصه واحد را موردمطالعه ریزنگرانه قرار دهد، در پی مقایسه و تحلیل ساحت‌های مختلف با همدیگر است و آن‌ها را در عرض موردبررسی قرار می‌دهد. در واقع شناخت تطبیقی این توانایی را دارد که موضوعات، مفاهیم و ابژه‌های متفاوت را در زمان‌ها و جاهای گوناگون و از زوایای مختلف موردبررسی قرار دهد و سطوح متفاوت شناخت را که از این راه به‌دست‌آمده، در کنار یکدیگر قرار دهد تا فهمی چندسویه و چندجانبه از مقوله موردبحث به دست آید (صباغیان، احمدی،۱۳۹۲). با در نظر گرفتن این موضوع پژوهش حاضر با پارادایم تفسیرگرا، رویکرد کیفی، روش تطبیقی و منطق استدلال قیاسی انجام شد که به لحاظ هدف نظری و نوع نتایج آن تبینی می‌باشد.

در فرایند پژوهش به بررسی تعاریف، رویکردها، عوامل سرزندگی در حوزه‌های متفاوتی چون؛ روان‌شناسی، جامعه‌شناسی پرداخته و سپس به بررسی تطبیقی با معماری و شهرسازی و همچنین بررسی مفاهیم مشابه با سرزندگی، در جهت نیل به تعریف جامع از سرزندگی‌محیطی، بررسی رویکردها و مقیاس پژوهش پیرامون سرزندگی-محیطی، روش‌های ارزیابی سرزندگی و در نهایت ارائه مدل مفهومی عوامل مؤثر بر سرزندگی‌محیطی پرداخته شد تا با پرکردن خلأ نظری در این زمینه، مسیر انجام پژوهش‌های کاربردی هموار شود. در شکل (۱) به‌طور خلاصه مراحل رسیدن به مدل‌های مفهومی پژوهش نمایش داده شده است که هریک از مراحل به تفضیل در ادامه مقاله توضیح داده شده است.

[ Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12 ]
[ DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.207.0 ]
[ DOI: 10.61186/jgs.24.73.358 ]

[ Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12 ]

[ DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.207.0 ]

[ DOI: 10.61186/jgs.24.73.358 ]

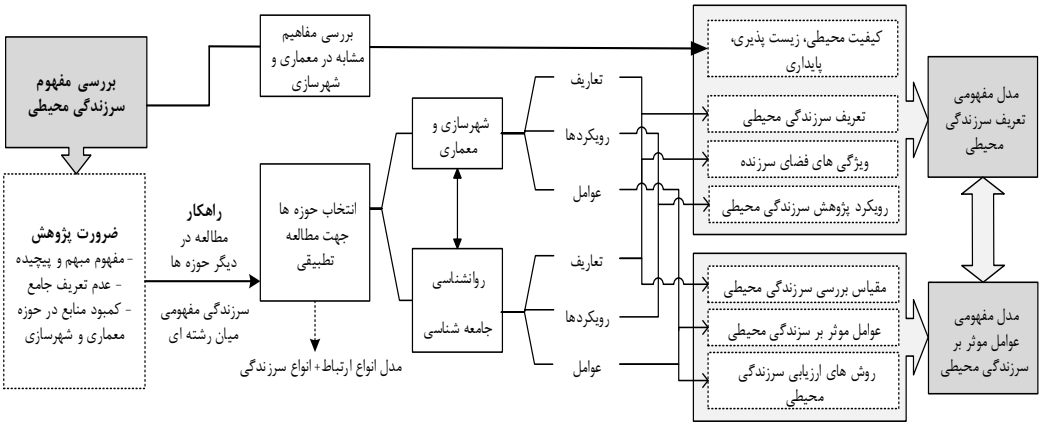


**شکل (۱). فرایند پژوهش**

**انتخاب حوزه‌های مطالعه سرزندگی**

برای انتخاب حوزه‌های موردمطالعه جهت شناخت مفهوم سرزندگی‌محیطی، با توجه به تعریف لاندری[۳] (2000) که انواع سرزندگی را شامل: سرزندگی اقتصادی، سرزندگی اجتماعی، سرزندگی فرهنگی، سرزندگی‌محیطی بیان می‌کند و همچنین با توجه به انواع ارتباط در مدل سیکسمیت[۴](1986) که شامل ارتباط فرد با خود، دیگران و محیط است سه حوزه روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و شهرسازی-معماری برای پژوهش انتخاب گردید که روند انتخاب حوزه‌های پژوهش در شکل (۲) نمایش داده شده است.

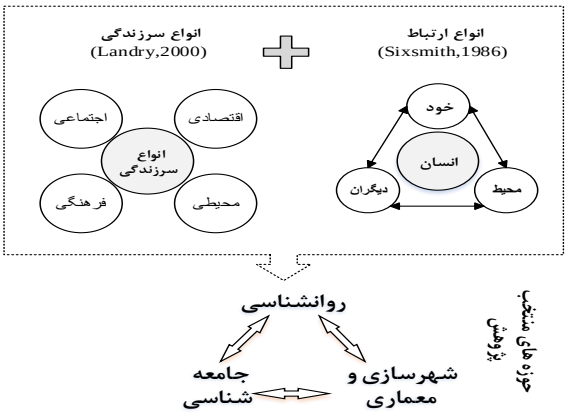


[3] Landry.Charles
[4] Judit Sixsmith

**شکل (۲). مراحل انتخاب حوزه‌های مطالعه سرزندگی**

در ادامه به بررسی مفاهیم و مؤلفه‌هایی که در ادبیات روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، معماری و شهرسازی پیرامون سرزندگی لحاظ شده است می‌پردازیم تا با مطالعه تطبیقی آن‌ها زمینه شناخت و شفاف‌سازی مفهوم سرزندگی‌محیطی فراهم شود.

**سرزندگی در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی**

در روان‌شناسی پدیده سرزندگی به‌عنوان تجربه هشیارانه فرد از داشتن انرژی و حس زندگی است. در واقع سرزندگی بازتاب سلامت روان‌شناختی و جسمی است (Cowen,1994,Diener,1984,Ryff,1995). به اعتقاد رایان و فردریک[5]، سرزندگی انرژی نشأت گرفته از خود فرد است، این انرژی از منابع درونی و نه تهدید اشخاص در محیط، نشأت می‌گیرد. سرزندگی گاهی در وضعیت خاص یا پس از انجام رویدادی خاص در فرد ایجاد می‌شود و چیزی بیشتر از برانگیختگی، فعال بودن یا داشتن منابع ذخیره حس شور زندگی و روحیه می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر سرزندگی احساس سرزنده بودن، نه تحریک و نه اجبار به انجام دادن آن است؛ به هر میزان که افراد کمتر دچار تعارض باشند از سازوکار سرکوب رهایی یافته و بیشتر خستگی و ناامیدی به او دست نمی‌دهد، بلکه احساس می‌کند انرژی و نیروی او افزایش‌یافته است. به‌طورکلی حس درونی سرزندگی شاخص معنادار سلامت ذهنی است (Duijn,2011, Solberg,2012). ریناک و بلانچارد[6] (۱۹۹۷) بیان کردند که افراد از نظر تجربه سرزندگی باهم متفاوت‌اند. این تفاوت‌ها تابع تأثیرات جسمی (مثل بیماری یا خستگی) و عوامل روان‌شناختی (مثل عاشق‌شدن، احساس داشتن یک مأموریت یا حس مؤثر بودن) است. حس سرزندگی بنا به تجارب فردی متفاوت است و بستگی به میدان تجارب افراد دارد، به همین دلیل دارای جنبه‌های پدیدارشناختی است و نیز چون همراه با شرایط روان‌شناختی و جسمی تغییر می‌کند (سادات رضایی، ۱۳۹۳:۴۴). برخی از نظریات حوزه سرزندگی، بر عوامل زمینه‌ای و فرهنگی و بخصوص فضای مفهومی شادمانی در فرهنگ‌های مختلف تأکید می‌ورزند. در ادبیات، این نوع مطالعات را از نوع روان‌شناسی بین فرهنگی[7] می‌شناسند که عمدتاً به خصیصه فردگرایی /جمع‌گرایی افراد و جوامع توجه دارند (Galati et al,2006,607). متناسب با معانی فرهنگی شادی و متناظر با انگیزه‌های اصولی آن، به نظر می‌رسد مجموعه فاکتورهایی که شادی را تبیین می‌کنند نیز در هر فرهنگی متفاوت است؛ مثلاً داینر[8] (2000) در پژوهش خود بر روی ۳۱ کشور نشان داد که عزت‌نفس در فرهنگ‌های فردگرا، نسبت به فرهنگ‌های جمع‌گرا، ارتباط بیشتری با سطح شادی و رفاه افراد دارد و در کشورهای جمع‌گرا، فاکتورهای شادابی بیشتر حول ساختارها و بافت‌های اجتماعی- فرهنگی همانند: تطابق با فرم‌های اجتماعی تأمین تعهدات و الزامات خویشاوندی و ... می‌چرخد. همچنین مطالعات انجام شده در آمریکا و اروپا نشان می‌دهند که وقتی افراد به اهداف و موفقیت‌های شخصی نائل می‌شوند، احساس شادی می‌کنند، اما در کشورهای

[5] Ryan&Ferderick
[6] Rinak& Blanchard
[7] Cross-Cultural psychology
[8] Diener

[ Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12 ]
[ DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.207.0 ]
[ DOI: 10.61186/jgs.24.73.358 ]

[ Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12 ]

[ DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.207.0 ]

[ DOI: 10.61186/jgs.24.73.358 ]

آسیایی زمانی احساس شادی افراد موردمطالعه افزایش می‌یابد که به اهداف و موفقیت‌های غیرشخصی همانند اهداف اجتماعی، اهداف خانوادگی و... می‌رسند. به‌عبارت‌دیگر در این کشورها شادی تابعی از اهداف موفقیت‌آمیزی است که کمتر شخصی و مستقل‌اند (رضادوست و همکاران، ۱۳۹۴). همچنین بررسی سرزندگی و شادزیستی در کشورمان نیز، به فهم تفاوت در دو زمینه سنتی و مدرن جامعه وابسته است. شیوع مشکلات سلامتی مزمن، چه در بعد سلامت جسمانی و چه در بعد سلامت روانی در جوامع مدرن رو به افزایش است. در این میان سلامتی افراد جامعه به‌عنوان سرمایه‌های انسانی در پیشبرد اهداف جوامع موضوعی حائز اهمیت است (عظیمی و دیگران،۱۳۹۹). در جوامع سنتی، نشاط از طریق جمع شناسی و مشارکت در رسوم جمعی به دست می‌آمد. نشاط با افتخار اجتماعی، حیثیت و جایگاه منزلتی فرد آمیخته بود. جامعه ایرانی مصداق بارز جامعه‌ای بوده است که در آن نشاط و شادی اساساً از راه ورود به آئین‌های جمعی حاصل می‌شده است. یکی از دلایل کثرت مناسک و جشن‌ها در جامعه ما نیز، تأمین وحدت و نشاط گروهی بوده است؛ اما در جامعه مدرن و شهرنشین شادزیستی به‌واسطه ورود تکنولوژی، قطع تعاملات مستقیم و گسست کنش‌های تام، به تعارف فردی وابسته می‌شود. اگر در گذشته وجود فرد و انسان دیگر اعم از همسایه، فامیل و غیره برای نشاط ضروری بود، امروزه ابزارها، کالاها و تکنولوژی مانند اینترنت، موبایل، ماشین، مواد مخدر، داروهای روان‌گردان تا حدی جای فرد نشسته و خود ابزارهای جدید تحقق شادی زیستی شده‌اند (عنبری،۱۳۹۲).

در رویکرد اقتصادی نیز برخی از تئوری‌ها و دیدگاه‌های مطرح‌شده در حوزه سرزندگی، به میزان و چگونگی تأثیر عوامل عینی و بهبود شرایط مادی بر سطح شادمانی افراد پرداخته‌اند که غالب نتایج مطالعات آن‌ها نشان داده است که شرایط عینی به‌خودی‌خود نقش تعیین‌کننده‌ای در سطح شادمانی افراد ندارند (Schyns,1998,3). اینگلهارت[9](۱۳۹۷) در این رابطه، تغییر در شرایط حیات عینی انسان‌ها را به دو بخش کوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم کرده و استنباط می‌کند تغییر وضعیت عینی در کوتاه‌مدت ممکن است احساس آنی رضایت یا نارضایتی به دنبال داشته باشد اما در بلندمدت با بالا رفتن سطح امنیت اقتصادی و جانی افراد در جوامع، به‌مرور اهداف فرامادی جای اهداف مادی را گرفته و در این شرایط سطح بالای درآمد نقش خود را در بالا بردن سطح شادمانی افراد از دست می‌دهد. رویکرد دیگر مرتبط با حوزه شادمانی، رویکرد جامعه‌شناختی است. جامعه‌شناسان نیز شادی را در بافت اجتماعی و شرایط خاص جامعه دنبال می‌کنند (گنجی، ۱۳۸۷، ۸۸). یکی از دیدگاه‌های مرتبط با این رویکرد، نظریه گیدنز[10] در خصوص مدرنیته و پیامدهای آن است. گیدنز معتقد است که مدرنیته احتمال خطر را در بعضی حوزه‌ها کاهش داده است اما درعین‌حال خطرات و ناامنی‌های دیگری را جایگزین ساخته است. از جمله عوامل تهدیدکننده شادمانی از نظر گیدنز عبارت‌اند از تهدیدهای خشونت‌آمیز ناشی از صنعتی شدن جنگ، متزلزل شدن ریشه‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی و احساس ناامنی و اضطراب وجودی. همچنین از جمله عوامل تأمین‌کننده شادمانی را از نظر گیدنز می‌توان به اعتماد همراه با احتیاط نسبت به نظام‌های انتزاعی، اعتماد و وانهی امور زندگی به دست نظام‌های

[9] Inglehart, Ronald
[10] Giddens, Anthony

تخصصی و دگردیسی صمیمیت و شکل‌گیری رابطه ناب نام برد (گیدنز،۱۳۹۷) یکی دیگر از نظریات بررسی‌شده تحت رویکرد جامعه‌شناختی، نظریه‌ای است که شادی و خرسندی کنشگران فردی را در شبکه مبادلات بین نظام جامعه و نظام شخصیت جست‌وجو کرده و با بهره‌گیری از چارچوب مفهومی چندبعدی که از انسان، شخصیت و جامعه در اختیار می‌گذارد، کم و کیف سرزندگی افراد را مرتبط با احساس رضایت و خشنودی آن‌ها از حوزه‌های چهارگانه در سطوح فردی و جامعه می‌داند (چلبی، ۱۳۸۳: ۵۹). چنانچه هرکدام از چهار نظام اصلی جامعه بتواند پاسخگوی مؤثر علایق افضل[۱۱] (علایق معیشتی، امنیتی، معاشرتی و شناختی) فرد و جامعه باشد، در این صورت هرکدام زمینه‌ساز شادمانی افراد است را فراهم نمایند؛ یعنی کارکرد صحیح حوزه اقتصادی تولید احساس بهبودی و آسایش است. همین‌طور حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هرکدام به ترتیب منشأ بروز احساس عدالت و امنیت، احساس همبستگی اجتماعی و احساس عزت و احترام می‌شوند (همان). البته پیامد مثبت عملکرد هر حوزه جامعه تا حدودی موکول به عملکرد سایر حوزه‌هاست؛ یعنی توسعه متوازن و همگون هر چهار حوزه می‌تواند در سطح فردی سبب‌ساز احساسات مثبت در هر چهار حوزه شود. در غیر این صورت، نه‌تنها موجب شادمانی نمی‌شود بلکه ناخرسندی اجتماعی را برای اکثریت آحاد جامعه فراهم می‌نماید. نتایج قابل‌برداشت از رویکردهای مطرح‌شده در هریک از حوزه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی از این بخش جهت تعریف سرزندگی در شکل (۳) به‌صورت خلاصه بیان‌شده است.

[۱۱] برای بررسی علایق افضل به چلبی، ۱۳۸۴: ۶۳ مراجعه شود.

[ Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12 ]
[ DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.207.0 ]
[ DOI: 10.61186/jgs.24.73.358 ]

**شکل(۳). تطبیق تعاریف حوزه روان‌شناسی و جامع شناسی با سرزندگی محیطی**

**سرزندگی در حوزه شهرسازی و معماری**

تاریخچه توجه به سرزندگی در حوزه‌های طراحی به زمانی باز می‌گردد؛ که دانش روان‌شناسی محیط شکل گرفت. در تعریف سرزندگی می‌توان نظریات زیر را بیان کرد: جیکوبز[12] در «کتاب مرگ و زندگی شهرهای آمریکا» (۱۳۹۶) با رویکردی اجتماعی به سرزندگی بیان می‌کند که "شهرهای سالم و بانشاط، شهرهای ارگانیک، خودجوش و خوش‌اقبال‌اند. آن‌ها بر پایه تنوع اقتصادی، انسانی و معماری، جمعیت‌های متراکم و اختلاط کاربری‌ها می‌بالند". او هر شهر را موجودی منحصربه‌فرد با تنوعی پایان‌ناپذیر توصیف می‌کند به‌طوری‌که نسخه‌های کلی و راهکارهای عمومی برای آن مناسب نیست. تراکم، اختلاطی از کاربری‌ها و ساختمان‌های گوناگون به‌اضافه شلوغی و جنب‌وجوش مردم، تصور یک مرکز شهر ایده‌آل را در اندیشه‌های وی است. لزوم وجود تنوع، کاربردهای مختلط، خیابان‌های سرزنده و قابل پیاده‌روی، تراکم، ایمنی و رفاه شهری و توانایی برجسته‌نمایی خصوصیات بارز و متمایز مکان‌ها از یکدیگر که

[12] Jane Jacobs

[ Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12 ]
[ DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.207.0 ]
[ DOI: 10.61186/jgs.24.73.358 ]

همچنان از عناصر اصلی مفهوم سرزندگی به شمار می‌روند از جمله مهم‌ترین دیدگاه‌های او هستند (Gratz,2003,18).

کریستوفر الکساندر[۱۳] با دیدگاهی پدیدارشناسانه به حیات و سرزندگی می‌پردازد. وی در کتاب راز جاودانگی (۱۳۹۷) مدافع بازگشت به روش‌های سنتی و طبیعی‌تر خلق مکان و بازگشت به اصل چیزهاست. از نظر وی الگوهای خاصی که بنا یا شهر را می‌سازند ممکن است زنده یا مرده باشد. هرچه الگوهای زنده در چیزی ـ اتاقی، بنا یا شهری ـ بیشتر شوند، در قالب کلی منسجم زنده‌تر و شاداب‌تر می‌شود. وقتی الگویی زنده باشد، نیروهای درونی خود را آزاد می‌کند، خودبان و خودآفرین است و نیروهای درونیش پیوسته خود را پشتیبانی می‌کنند و هر الگوی زنده حیات خود را گسترش می‌دهد و به الگوهای دیگر سرایت می‌دهد. یک مکان سرزنده پویا، قابل سازگاری، حیات‌بخش، جامع، متمرکز، بدون‌تفکیک و لایه‌بندی‌ها محدودکننده، خودانگیخته، ارضاکننده‌ی روح و روان و مشارکت دهنده است. کوین لینچ[۱۴] باملاحظه منظم و دقیق سیمای قسمت انتخاب‌شده‌ای از شهر، در کتاب «تئوری شکل شهر» (۱۳۹۵) بیان می‌کند؛ محیطی سکونتگاه خوب تلقی می‌شود که سلامت و بهزیستی افراد و بقاء موجودات زنده را تأمین کند. عمدتاً معیارهای بیولوژیکی و اکولوژیکی را مدنظر قرار داده و تنها با این رویکرد به موضوع سرزندگی می‌پردازد، عواملی نظیر مسائل اجتماعی، فرهنگی را که درست به‌اندازه عوامل اکولوژیکی در این بحث دارای اهمیت می‌باشند نادیده گرفته است و عمدتاً سرزندگی را در مقیاس کلان و یک دیدگاه گسترده و درعین‌حال سطحی موردبررسی قرار می‌دهد. یکی از تئوری‌های خلاقانه که توسط اولدنبرگ[۱۵] در کتاب "مکان خوب "[۱۶] مطرح شد که در آن ادعا نمود یکی از اجزای کلیدی جوامع سرزنده چیزی تحت عنوان مکان سوم است. یک مکان شبه عمومی در یک فضای خنثی که زندگی کسانی را که در خانه (مکان اول) زندگی می‌کنند و کسانی‌که به محل کار می‌روند (مکان دوم) را تکمیل می‌کند. مکان‌های سوم میزبان اجتماعات محلی، داوطلبانه، غیررسمی و سرگرم‌کننده، فراتر از حوزه‌های خانه و محل کار بوده و القاکننده‌ی حس فضای عمومی و تناسبات اجتماعی به‌ویژه در مجموعه‌های شهری متراکم هستند. این فضاها الزاماً تحت مالکیت عمومی نیستند و یا توسط دولت‌ها اداره نمی‌شوند اما غالباً جهت برگزاری مراسم اجتماعی و گذران اوقات فراغت عموم قابل‌استفاده هستند. هانری لنارد[۱۷] نیز، سرزندگی را به‌صورت زیر تعریف می‌کند: امکان تماشای مردم و شنیدن صدای آن‌ها، امکان گردهم‌آمدن غیررسمی مردم در عرصه‌های عمومی، فرصت اجتماعی‌شدن برای کودکان و جوانان در عرصه‌های عمومی، تأیید و ارزش قائل‌شدن همه شهروندان برای یکدیگر و احترام به معرفت و آگاهی‌های همه ساکنان است (دادپور، ۱۳۹۱). لاندری[۱۸] نیز مفهوم سرزندگی را به‌گونه‌ای متفاوت بررسی نموده؛ او سرزندگی و زیست‌پذیری را مجزا تعریف کرده و با چهار رویکرد عمده و به شکل موضوعی به مسئله پرداخته است. ۱- سرزندگی اقتصادی ۲-سرزندگی اجتماعی ۳- سرزندگی فرهنگی ۴_ سرزندگی محیطی (خستو، رضوانی، ۱۳۸۹).

---

[13] Christopher Alexander
[14] Kevin.Lynch
[15] Ray Oldenburg
[16] The Great Good Place
[17] Lennard Henry
[18] Landry.Charles

[ Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12 ]
[ DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.207.0 ]
[ DOI: 10.61186/jgs.24.73.358 ]

پامیر[۱۹] در کتاب «خلق یک مرکزی شهری پرجنب‌وجوش» برای طراحی فضاهای عمومی، اصولی را معرفی می‌کند که به اعتقاد وی منجر به سرزندگی این مراکز می‌باشد، اصل یکم: آفرینش یک ساختار سازمان دهنده، اصل دوم: به وجود آوردن هویتی برجسته‌ساز، اصل سوم: ایجاد تنوع و جذابیت، اصل چهارم: اطمینان از تداوم بصری و عملکردی، اصل پنجم: به حداکثر رساندن سهولت استفاده، اصل ششم: فراهم نمودن آسایش، اصل هفتم: تأکید بر کیفیت بالا. یان گل[۲۰] نیز در «کتاب شهر انسانی» (۱۳۹۴) در یک فصل به بررسی سرزندگی می‌پردازد، یان محیط‌هایی را سرزنده می‌داند که در آن فعالیت‌های «اختیاری» و «اجتماعی» در دامنهٔ نسبتاً گسترده‌ای از زمان جریان دارد. در این حالت برخی از شاخص‌های شناسایی محیط‌های سرزنده شامل میزان تراکم افراد پیاده در محل، تعداد تنوع و ماهیت قرارگاه‌های رفتاری موجود و نیز وجود فعالیت‌های موسمی، آهنگ و سرعت شهری، تنوع استفاده‌کنندگان زن، مرد، پیر، جوان، کودک، معلول و تنوع فرم و رنگ در منظر شهری و ... می‌شود. بنا بر دیدگاه وی، عبور از روزمرگی و شکوفایی زندگی روزمره در گرو رشد فعالیت‌های انتخابی و اجتماعی و این رشد در گرو طول مدت وقایع و رخ دادن آن‌ها در یک‌زمان و در یک فضاست (تأکید بر دو مؤلفه زمان و مکان). همچنین بیان می‌کند که زندگی در شهر فرایندی است که خود را تقویت می‌کند. سرزندگی الزاماً ازدحام و -تراکم بالا نیست، بلکه تراکم منطقی با کیفیت مطلوب لازمه سرزندگی فضاست و سرزندگی امری نسبی و وابسته به مکان. عمدتاً نظریات او بر وجه انسانی معماری و همچنین تعامل میان معماری با برنامه‌ریزی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی تأکید دارد. انجمن معماران آمریکا نیز در تعریف سرزندگی می‌گوید: نمی‌توان برای سرزندگی یک تعریف واحد و مشخص ارائه داد و سرزندگی یک محل باید با توجه به ویژگی‌های آن مکان و ساکنانش تعریف و تدقیق شود (AIA, 2005). نتایج قابل‌برداشت از نظریات مطرح از این بخش جهت تعریف سرزندگی در شکل (۴) به‌صورت خلاصه بیان‌شده است.

[19] Cyril B. Paumier
[20] Jan Gehl

[ Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12 ]
[ DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.207.0 ]
[ DOI: 10.61186/jgs.24.73.358 ]

**شکل (۴). ویژگی‌های قابل‌برداشت تعریف سرزندگی محیطی از نظریات شهرسازان و معماران**

**رویکردهای پژوهش پیرامون سرزندگی در شهرسازی و معماری**

رویکردهای پژوهش پیرامون سرزندگی را می‌توان در چهار طبقه عمده تقسیم‌بندی نمود که هرکدام هدف و روش مخصوص خود دارند.

رویکردهای هنجاری مربوط به شهر سرزنده که درک آن نسبت به بقیه کمی مشکل‌تر به نظر می‌رسد عقاید متخصصان و نظریه‌پردازانی را ارائه می‌دهد که در پی تعاریف هنجاری متنوع و توصیف مفاهیم تئوریک پیرامون ایده‌ی شهر خوب و آنچه آن را سرزنده می‌کند، هستند. آن‌ها از روش‌های مختلفی در رسیدن به ایده‌ی شهر خوب و سرزنده بهره گرفته‌اند، مثل مطالعات کتابخانه‌ای، روش‌های تجربی، مطالعات موردی و آزمون فرضیات و همچنین تجارب و تفکر خودشان که به فضاهای شهری تعمیم داده‌اند. این اشکال آکادمیک هرچند جنبه‌های جهانی و فراگیرتری نسبت به سایر رویکردها دارند؛ اما معمولاً بدون ارجاع به مکان خاصی به شکل تئوری‌های پایه باقی‌مانده‌اند. رویکرد شاخص‌های اجتماعی کیفیت زندگی که ابتدا توسط محققان علوم اجتماعی موردتوجه قرار گرفت به دنبال شاخص‌های اجتماعی برای سنجش و کمی کردن مقایسه مفاهیم سرزندگی و کیفیت حیات است. این رویکرد گزارش‌ها و دستورالعمل‌های زیادی در رابطه با رتبه‌بندی و اندازه‌گیری سرزندگی مکان‌ها فراهم کردند ولی قسمت عمده‌ای از این یافته‌ها به‌شدت

[ Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12 ]
[ DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.207.0 ]
[ DOI: 10.61186/jgs.24.73.358 ]

موردانتقاد قرار گرفت. رویکرد روش‌های کاربر محور و مطالعات رفاه فردی، متکی به مطالعات اولویت‌بندی، رضایتمندی و سنجش تصورات افراد درباره‌ی محله و محیط زندگی‌شان است. این رویکرد بسیار غنی بوده و در درک بسترها و جریان‌های زندگی روزمره‌ی محلی، مسائل، تمایلات و اولویت‌ها از اهمیت بسزایی برخورد است اما به دلیل وضعیت نسبی و ماهیت ذاتی این نوع رویکردها، دقت کمتری دارند و قابلیت تبدیل‌شدن به گزاره‌های علمی و دستورالعمل‌های عملی را ندارند. در این میان عده‌ای از پژوهشگران با استفاده از نقاط قوت این روش و تلفیق آن با بررسی مکان محور سرزندگی در مقیاس‌های محلی و به کار گرفتن معیارهای عینی و مفاهیم جامع، رویکرد چهارمی که از آن به‌عنوان رویکرد مکان محور یاد می‌شود را معرفی کردند که بسیار موردتوافق قرارگرفته و در هدایت سنجش سرزندگی و راهبردی اقدامات به‌طور قابل‌توجهی مؤثر واقع‌شده است (Larice,2005). در جدول (۱) به مقایسه هر چهار رویکرد پرداخته شده است.

**جدول (۱). رویکردهای پژوهش پیرامون سرزندگی محیطی**

| رویکرد | ویژگی | هدف | مقیاس | مزایا | معایب |
|---|---|---|---|---|---|
| **رویکردهای هنجاری مربوط به شهر سرزنده** | بررسی تئوریک و آکادمیک سرزندگی | در پی تعاریف هنجاری متنوع و توصیف مفاهیم تئوریک پیرامون ایده‌ی شهر خوب و آنچه آن را سرزنده می‌کند | مقیاس کلان - معیارهای عینی | جنبه جهانی و فراگیر | - معمولاً بدون ارجاع به مکان خاصی - دیدگاه گسترده درعین‌حال سطحی |
| **شاخص‌های اجتماعی کیفیت زندگی** | رتبه‌بندی و اندازه‌گیری سرزندگی مکان‌ها | در پی خلق شاخص‌های اجتماعی برای سنجش و کمی کردن مقایسه مفاهیم سرزندگی و کیفیت حیات | مقیاس کلان- معیارهای عینی -معیارهای کمی | ارائه معیارهایی جهت رتبه‌بندی سرزندگی شهرها | - بررسی کمی و عددی سرزندگی بدون در نظر گرفتن معیارهای کیفی و تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی - آمارهای انتزاعی |
| **روش‌های کاربر محور و مطالعات رفاه فردی** | توجه به تعیین‌کنندگی عوامل روان‌شناختی فردی در مطالعات سرزندگی | متکی بر مطالعات اولویت‌بندی، رضایت‌مندی و سنجش تصورات افراد درباره محله و محیط زندگی‌شان | معیارهای ذهنی کاربران | بسیار غنی در درک بسترها و جریان‌های زندگی روزمره محلی، مسائل، تمایلات و اولویت‌ها | دقت کم و نسبی - قابلیت تبدیل‌شدن به گزاره‌های علمی و دستورالعمل عملی ندارد |
| **رویکردهای مکان محور** | بررسی مکان محور سرزندگی در مقیاس محلی | توجه به داده‌های ذهنی و عینی و ارائه مفاهیم کلی و جامع و درعین‌حال منحصربه‌فرد | - مقیاس خرد و محلی - معیارهای عینی و ذهنی | ترکیب روش‌های کمی- کیفی پژوهشی | - عدم وجود مطالب و پیشینه کافی در ارتباط با این رویکرد |

[ Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12 ]
[ DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.207.0 ]
[ DOI: 10.61186/jgs.24.73.358 ]

[ Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12 ]

[ DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.207.0 ]

[ DOI: 10.61186/jgs.24.73.358 ]

**بررسی مفاهیم مشابه با سرزندگی**

اصطلاح سرزندگی که در اواخر دهه‌ی ۵۰ میلادی پدیدار شد و در اواخر دهه‌ی ۷۰ موردبازنگری و تلفیق قرار گرفت اما با مفاهیم زیست پذیری، کیفیت زندگی و پایداری دارای مشابهاتی است که در ادامه به بررسی وجوه تمایز آن‌ها با دیگر مفاهیم می‌پردازیم. در تعریف مبحث سرزندگی و وجوه تمایز آن با زیست‌پذیری باید گفت که در لغت‌نامه شهرسازی رابرت کوان (2005,442) سرزندگی و زیست پذیری در کنار هم آمده و این‌گونه معنی شده است « vitality and Viability» ویژگی مراکز شهرهای کوچک و بزرگ موفق است؛ سرزندگی شهر بازتاب سطح شلوغی آن در اوقات مختلف روز و در بخش‌های مختلف است؛ درصورتی‌که زیست پذیری میزانی برای سنجش ظرفیت آن برای جذب سرمایه برای بقا، بهبود و تطابق نیازهای متغیر است؛ بنابراین می‌توان چنین برداشت نمود که سرزندگی صفتی برای فضاهای شهری در مقیاس کوچک یا متوسط کاربرد داشته و زیست‌پذیری برای کل شهر می‌باشد. اگرچه فضاهای شهری با مقیاس کوچک‌تر هم می‌توانند دارای عنوان زیست‌پذیر باشند (بندرآباد،۱۳۹۰). پیرامون مفهوم زیست پذیری بحث‌های گسترده‌ای در مورد پایداری، حمل‌ونقل، محیط‌های سرزنده، ابعاد مختلف جامعه می‌شود که نشان می‌دهد دستیابی به زیست پذیری شهری که به آن شهر موفق نیز می‌گویند از طریق سرزندگی (محیطی)، پایداری اکولوژیکی، حل معضلات اجتماعی (فقر، اختلافات طبقاتی و ...)، اقتصادی (بیکاری، اعتیاد و ...)، زیست‌محیطی (کاهش آلودگی و...) و فرهنگی (بی‌سوادی و...) حاصل می‌شود (بابائی و دیگران، ۱۳۹۹) همچنین اصطلاح سرزندگی هم‌اکنون مشترکات بسیاری با مفهوم کیفیت‌زندگی داشته و در بسیاری از متون این دو مفهوم به‌جای یکدیگر به کار می‌روند (Meyrs, 1987). در تعریف سرزندگی در سطح کلان، آن را یکی از مؤلفه‌های سازندهٔ کیفیت کلی یک محیط می دانند. اگر بخواهیم تفاوتی میان این دو مفهوم قائل شویم می‌توان گفت که سرزندگی توصیف غیررسمی احتمالات مربوط به زندگی در یک مکان خاص است. در حالی که کیفیت زندگی را می‌توان بدون دلالت بر مکان خلاصه کرد و معمولاً بدون ارجاع مکانی به موضوعات انتزاعی می‌پردازد. مفاهیم سرزندگی و پایداری نیز اغلب دارای همپوشانی هستند و غالباً هم‌زمان به‌کاربرده می‌شوند و این به علت کمبود بحث درباره ماهیت رابطه میان این دو مفهوم است. هر دو مفهوم به کیفیت زندگی، سلامت و رضایت از زندگی اشاره می‌کنند و هر دو درباره رابطه انسان _محیط هستند. ون کمپ معتقد است که پایداری بحث می‌کند که رابطه انسان- محیط در آینده چگونه باشد ولی سرزندگی و زیست پذیری به رابطه کنونی آن‌ها می‌پردازد. دو مدل توسط لیندرهات[۲۱] ایجاد شد که در آن پایداری بر روی مسائل جهانی در یک بازه زمانی تمرکز می‌کند اما سرزندگی مفهوم محلی آن (اکنون و اینجا) است و در مدل دیگری زیست پذیری و سرزندگی را یکی از عناصر تشکیل‌دهنده پایداری می‌داند.

[21]. Lyndhurst,2004

[ Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12 ]

[ DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.207.0 ]

[ DOI: 10.61186/jgs.24.73.358 ]

## بحث و یافته‌ها

### مدل مفهومی تعریف سرزندگی محیطی

از تطبیق تعاریف و ویژگی‌های به‌دست‌آمده در حوزه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و معماری و شهرسازی در نمودار ۱ و ۲ و بررسی‌های انجام شده پیرامون مفاهیم مشابه کیفیت‌زندگی، زیست‌پذیری، پایداری با سرزندگی‌محیطی مدل نهایی تعریف سرزندگی محیطی را به شرح زیر می‌توان بیان کرد.

**تعریف سرزندگی محیطی:** به‌طورکلی مفهوم سرزندگی اصطلاحی دشوار و غیرشفافی برای مطالعه است. دلایل متعددی برای دشواری و بی‌ثباتی مفهوم سرزندگی وجود دارد. نخست اینکه، در این موضوع در سطح نظری دیدگاه‌ها و تعاریف متناقض و گیج‌کننده زیادی وجود دارد. دوم اینکه در سطح عملی و واقعی، ساخت فضای سرزنده، همچون تولید محیطی، سیاسی و اجتماعی- فرهنگی پیچیده برای گروه‌های اجتماعی است و سوم اینکه در سطح فردی نیز فضای سرزنده سازه‌ای شخصی و ذهنی است. یک فضا برای شخصی ممکن است سرزنده باشد ولی برای شخص دیگری چنین نباشد. با تطبیق تعاریف ارائه‌شده توسط روانشناسان و جامعه شناسان و طراحان در تعریف فضای سرزنده می‌توان بیان کرد که: در بررسی تعاریف شادی با سرزندگی در روان‌شناسی و مقایسه آن‌ها مشخص می‌شود که معنای شادی و سرزندگی نیز الزاماً مشابه نیست و از نظر فعالیت و انگیزش با یکدیگر تفاوت دارند. همچنین سرزندگی محیطی مفهومی نسبی وابسته به مکان و زمان می‌باشد و فضاهای سرزنده محیط‌هایی پیچیده و متنوع دارد که زمینه لازم جهت حضور افراد با تنوعی از سن و جنس را فراهم می‌آورد تا انجام فعالیت‌های اجتماعی و اختیاری در دامنه گسترده‌ای از زمان در آن جریان داشته باشد. همچنین سرزندگی به‌خودی‌خود موجب تقویت خود می‌شود. مردم جایی می‌آیند که مردم هستند.

**ویژگی‌های فضای سرزنده:** فضاهای سرزنده بر وجه انسانی معماری و همچنین تعامل میان معماری با برنامه‌ریزی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی تأکید دارد. حجم و فضای خوب در ترکیب با عادت‌ها و برنامه‌های روزمره مناسب، پیش‌نیاز روندهایی است که در آن‌ها وقایع کوچک شکوفا می‌شود. به‌محض این‌که این روند آغاز شود یک چرخه‌ی مثبت تولید می‌گردد که باعث تقویت سرزندگی به‌عنوان یک‌روند می‌گردد. فضای سرزنده احتیاج به زندگی متنوع و پیچیده دارد، جایی که فعالیت‌های فراغتی و اجتماعی با فضای موردنیاز برای عبور و مرور پیاده و نیز فرصت مشارکت در زندگی ترکیب می‌شود. عبور از روزمرگی و شکوفایی زندگی روزمره در گرو رشد فعالیت‌های انتخابی و اجتماعی و این رشد در گرو طول مدت وقایع و رخ دادن آن‌ها در یک‌زمان و دریک فضاست. یک مکان سرزنده پویا، قابل سازگاری، حیات‌بخش، جامع، متمرکز، بدون تفکیک و لایه‌بندی‌ها محدودکننده، خودانگیخته، ارضاکننده‌ی روح و روان و مشارکت‌دهنده آن است.

**رویکرد و مقیاس مناسب پژوهش پیرامون سرزندگی:** با توجه حالت وجودی سرزندگی که بر مبنا نظریه احتمال‌گرایی محیطی، محیط و ناظر هر دو بر سرزندگی تأثیر دارند و همچنین تعریف انجمن معماران ایالات‌متحده (AIA) در مجموعه‌ای که در سال ۲۰۰۵ منتشر کرده است که نمی‌توان برای سرزندگی، یک تعریف مشخص ارائه داد و سرزندگی

یک محل باید با توجه به ویژگی‌های آن مکان و ساکنانش تعریف و تدقیق شود، از میان رویکردهای ۱- هنجاری مربوط به شهر سرزنده (جوامع دانشگاهی و جنبش‌ها) ۲- رویکرد شاخص‌های اجتماعی کیفیت زندگی ۳- روش‌های کاربر محور و مطالعات رفاه فردی، با استفاده از نقاط قوت این روش‌ها و تلفیق آن رویکرد چهارمی به نام رویکرد مکان محور جهت پژوهش پیرامون سرزندگی ارائه می‌شود. این رویکرد به دلیل استفاده از شاخص‌های چند رشته‌ای و ترکیب فاکتورهای عینی و ذهنی و تمرکز بر روندهای مشارکتی محلی برای پژوهش پیرامون سرزندگی مناسب است زیرا سرزندگی مفهومی نسبی و وابسته به مکان است و در مقیاس محلی قابل پژوهش می‌باشد شکل (۵).

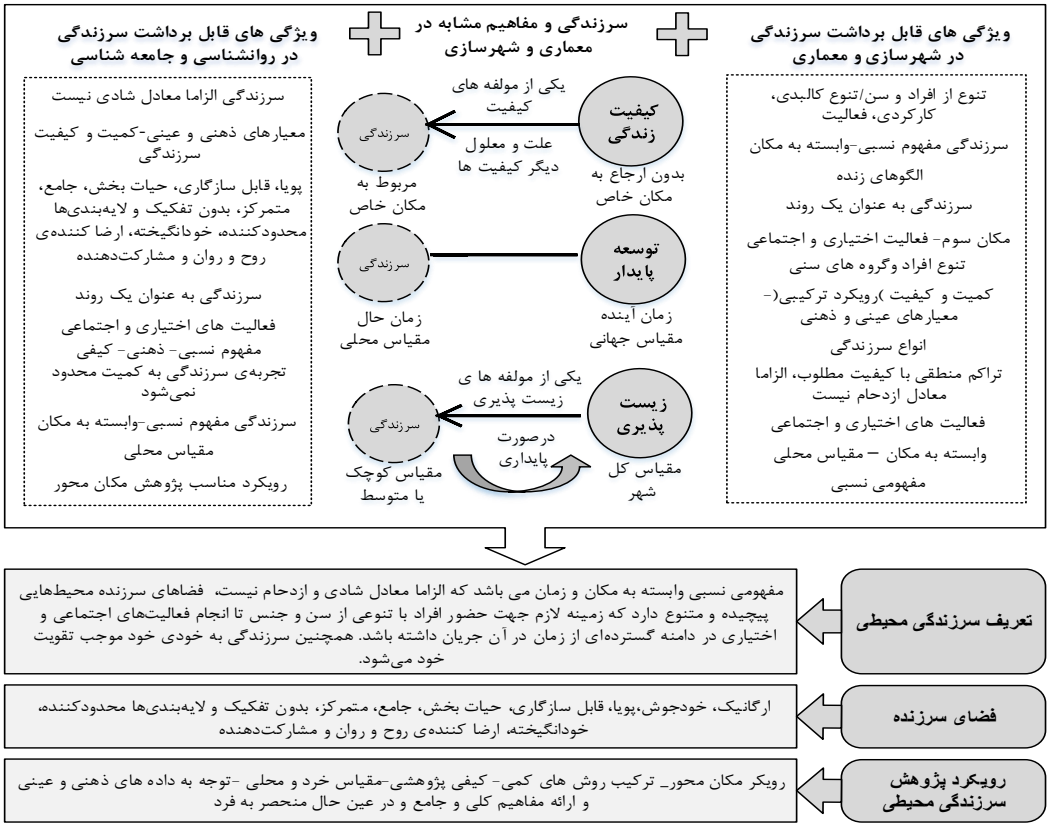


**شکل (۵). مدل مفهومی تعریف سرزندگی محیطی**

**فرایند دستیابی به مدل مفهومی عوامل سرزندگی محیطی**

با توجه دیدگاه احتمال‌گرایی محیطی که محیط و ناظر هردو بر سرزندگی تأثیر دارد و همچنین در کتاب آفرینش نظریه‌های معماری جان لنگ در تعریف محیط بیان می‌کند که: کلمه محیط آن‌قدر مورداستفاده دارد که تشخیص

[ Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12 ]
[ DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.207.0 ]
[ DOI: 10.61186/jgs.24.73.358 ]

[ Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12 ]

[ DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.207.0 ]

[ DOI: 10.61186/jgs.24.73.358 ]

معنای آن مشکل شده است. روانشناسان مردم و شخصیت‌فردی آن‌ها، جامعه‌شناسان سازمان‌های اجتماعی و فرایندها و معماران ساختمان‌ها و محیط‌های باز و منظر را محیط تعریف می‌کنند. بعضی از تحلیل‌ها بین محیط کالبدی، اجتماعی، رفتاری و روان‌شناختی تمایز قائل شده‌اند. محیط‌کالبدی مثل مکان‌های زمینی و جغرافیایی، محیط‌اجتماعی شامل نهادهای متشکل از افراد و گروه‌ها، محیط‌روانشناختی شامل تصاویرذهنی مردم و محیط‌رفتاری مجموعه عواملی است که فرد به آن واکنش نشان می‌دهد (لنگ،۱۳۹۶).

بنابراین با توجه به اینکه محیط انسانی شامل محیط‌اجتماعی، روان‌شناختی و فرهنگی می‌باشد و با حوزه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی در ارتباط می‌باشد، به بررسی عوامل مؤثر بر سرزندگی فردی و جمعی می‌پردازیم. از آنجا که انسان موجودی تک‌بعدی نیست و شخصیت او از ابعادشناختی، عاطفی، جسمانی و اجتماعی تشکیل شده است و سلامت‌روانی و جسمانی وی مرهون رشد همه‌جانبه و هماهنگ این ابعاد می‌باشد، لذا عوامل مؤثر بر سرزندگی فردی با توجه به ابعاد چهارگانه فوق به‌طور جداگانه پرداخته شد. در بعدشناختی مؤلفه‌های کنترل درونی، خوش‌بینی و تفکر مثبت، هدفمند بودن زندگی و خلاقیت و در بعد عاطفی مؤلفه‌های ثبات‌عاطفی یا هیجانی، عزت‌نفس و خود-کارآمدی و در بعد اجتماعی مؤلفه‌های برون‌گرایی، کمک‌کردن و نوع‌دوستی، توافق‌اجتماعی و وظیفه‌شناسی و روابط مثبت با دیگران و در بعد جسمانی شخصیت انسان مؤلفه‌های سلامتی، استراحت، تغذیه، ورزش را می‌توان نام برد.

در رویکرد جامعه‌شناختی نیز چنانچه هرکدام از چهار نظام اصلی جامعه بتواند پاسخگوی مؤثر علایق افضل (علایق معیشتی، امنیتی، معاشرتی و شناختی) فرد و جامعه باشد، در این صورت هرکدام می‌توانند موجبات نوعی احساس مثبت که هرکدام زمینه‌ساز شادمانی افراد است را فراهم نمایند. کارکرد صحیح حوزه اقتصادی تولید احساس بهبودی و آسایش است. همین‌طور حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هرکدام به ترتیب منشأ بروز احساس عدالت و امنیت، احساس همبستگی اجتماعی و احساس عزت و احترام می‌شوند (چلپی، ۱۳۸۳). پس از بررسی‌های انجام شده عوامل مؤثر بر نشاط‌اجتماعی در بعد فرهنگی شامل بصیرت، تعیین اجتماعی، عزت‌نفس، هویت فردی و در بعد اجتماعی شامل اعتماد، هویت جمعی، خشنودی، همبستگی اجتماعی، احساس دوستی و در بعد سیاسی شامل عدالت، امید، خودمختاری، امنیت و در بعد اقتصادی شامل رضایت شغلی، رفاه مادی و سلامتی را می‌توان بیان کرد. سپس برای به دست آوردن مدل نهایی عوامل سرزندگی محیطی، با توجه به اینکه محیط کالبدی شامل محیط طبیعی و مصنوع می‌باشد و با محیط انسانی نیز در ارتباط می‌باشد از تطبیق عوامل مؤثر بر سرزندگی فردی و سرزندگی اجتماعی با تعاریف سرزندگی در شهرسازی و معماری، عوامل سرزندگی محیطی به شرح زیر به دست آورده شد: از تطبیق مؤلفه‌های بعد جسمانی در روان‌شناسی و اقتصادی در جامعه‌شناسی، مؤلفه کالبدی که شامل ویژگی‌های عینی محیط است به دست آمد، همچنین از تطبیق مؤلفه‌های عاطفی و شناختی در روان‌شناسی و مؤلفه فرهنگی در جامعه‌شناسی، مؤلفه ادراکی و شناختی که شامل ویژگی‌های ذهنی محیط است به دست آمد و از تطبیق مؤلفه اجتماعی در روان‌شناسی و مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی در جامعه‌شناسی، مؤلفه اجتماعی و ویژگی‌های افزایش تعاملات اجتماعی و جذب افراد به دست آمد. فرایند دستیابی به مدل در شکل (۶) مشخص شده است و در قسمت

نتیجه‌گیری از تطبیق شاخص‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی شاخص‌های هر مؤلفه در مدل نهایی در شکل (۷) به دست آمد که نحوه ارتباط و تأثیر شاخص‌ها در سه حوزه را نشان می‌دهد.

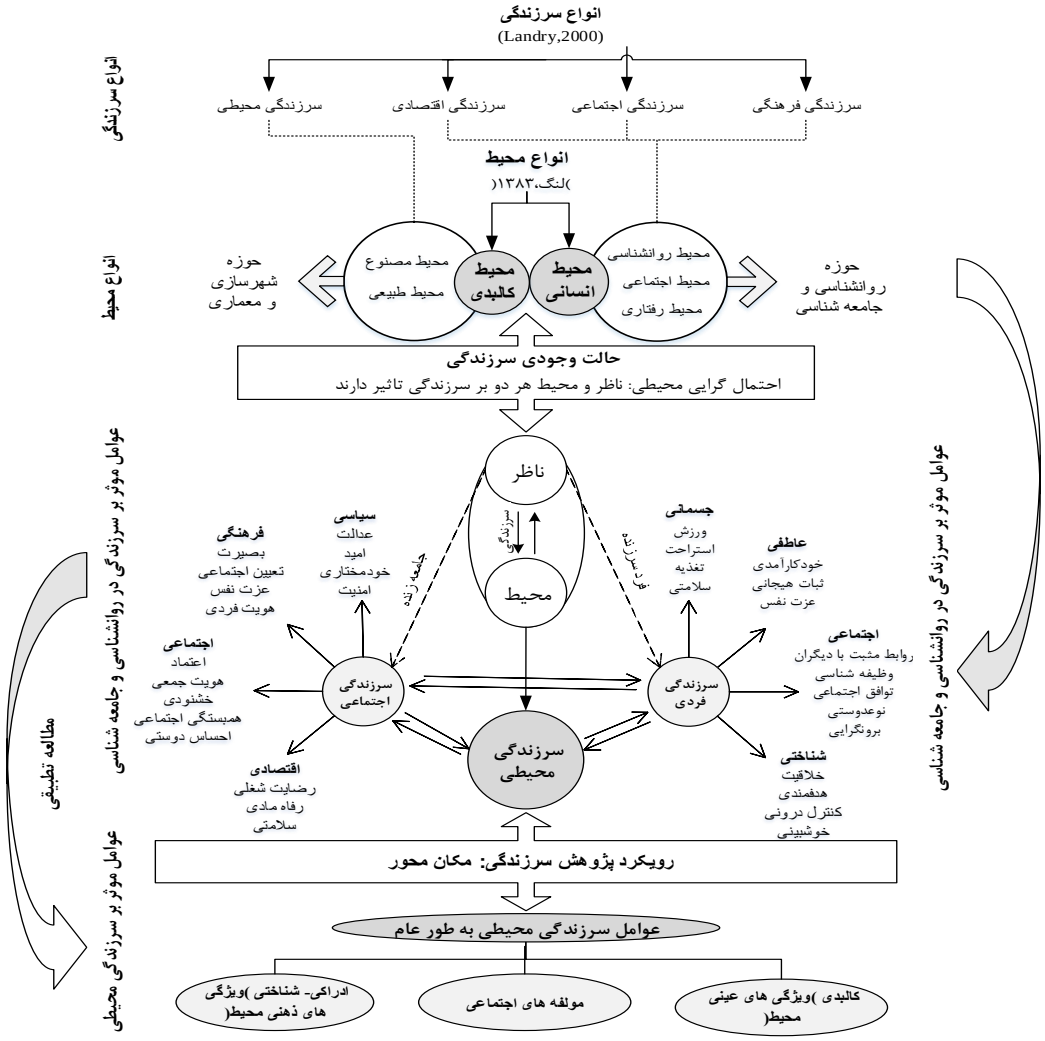


**شکل (۶). فرایند دستیابی به مدل مفهومی عوامل سرزندگی محیطی**

## نتیجه‌گیری

این پژوهش به دلیل ماهیت پیچیده سرزندگی با استفاده از روش مطالعه تطبیقی بین‌رشته‌ای، تلاش بر آن داشت تا مهم‌ترین ابعاد جنبه‌های سرزندگی محیطی را آشکار سازد. بدین منظور از مفاهیم و مؤلفه‌هایی که در ادبیات روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، معماری و شهرسازی لحاظ شده است در جهت دستیابی به تعریف جامع از سرزندگی

[ Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12 ]
[ DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.207.0 ]
[ DOI: 10.61186/jgs.24.73.358 ]

محیطی، بررسی رویکردهای پژوهش پیرامون سرزندگی محیطی، مقیاس ارزیابی سرزندگی و در نهایت ارائه مدل تحلیلی- تطبیقی عوامل سرزندگی محیطی استفاده شد که نتایج حاصل به تفضیل شامل موارد ذیل می‌باشد:

**سنجش سرزندگی:** امروزه سرزندگی به‌عنوان یک واژه پایه اساساً نشان می‌دهد که یک مکان قابلیت زندگی کردن را دارد و آیا از فرایندهای حیات پشتیبانی می‌کند یا خیر. این مسئله تلویحاً به این مهم اشاره دارد که این مفهوم تا چه حد می‌تواند نسبی باشد. سرکار داشتن با این شاخص‌های ذهنی همواره یکی از چالش‌های نظری پژوهشگران است، آن‌ها در بسیاری از مطالعات برای اجتناب از این موضوع بیشتر به دنبال ارائه‌ی تعاریفی عینی و کار با شاخص‌های کمی برای بررسی سرزندگی مکان‌ها هستند. تجربه‌ی سرزندگی در شهر به کمیت محدود نمی‌شود و مفهومی نسبی می‌باشد. تعداد کمی از مردم در یک خیابان روستایی باریک می‌توانند به‌راحتی تصویری از محیط سرزنده ایجاد کنند. ازدحام و اندازه‌ی شهر نیست که اهمیت دارد بلکه این احساس که فضای شهری پرکشش و محبوب است مکانی با معنا ایجاد می‌کند. همان‌طور که پیش‌ازاین اشاره شد باور عموم بر این است که زندگی در فضای شهری به مسئله‌ی تعداد کاربران مربوط است، اما موضوع به همین سادگی نیست. تعداد کاربران، عامل مهمی است اما عامل دیگری که به همان اندازه برای زندگی در شهر اهمیت دارد مدت‌زمانی است که کاربران در فضای عمومی شهر صرف می‌کنند. اغلب دیده می‌شود فضای پرتراکم با برنامه‌ریزی ضعیف ایجاد فضای شهری خوب را با مشکل مواجه کرده و در نتیجه زندگی شهر را بی‌روح می‌کند. در نتیجه سرزندگی الزاماً معادل ازدحام و تراکم بالا نیست و وابسته به تعداد و زمان می‌باشد، همچنین با توجه به اینکه سرزندگی امری کیفی است، بررسی میزان سرزندگی فضاها با روش‌های صرفاً کمی امکان‌پذیر نیست و باید با استفاده از روش‌های تحقیق‌های کمی- کیفی و با مقیاس محلی به ارزیابی آن پرداخت.

عوامل سرزندگی محیطی: بیشتر پژوهشگران بر این نظر هستند که سرزندگی در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، شکل و مفاهیم خاص پیدا می‌کند و سرزندگی یک عبارت نسبی است در نتیجه متر و معیار زندگی در گذر زمان تغییر کرده و نگرش به سرزندگی نیز تغییر می‌کند. در نتیجه سرزندگی امری کیفی و وابسته به مکان و زمان است و نمی‌توان عواملی را به‌طور مشخص برای سرزندگی همه مکان‌ها در همه کشورها و در همه دوره‌های زمانی بیان کرد بلکه باید عوامل به‌صورت محلی با توجه به مکان و با مقیاس محلی مشخص شود. با بررسی تطبیقی عوامل مؤثر بر سرزندگی محیطی را می‌توان شامل مؤلفه‌های زیر بیان کرد (تصویر ۷): از تطبیق مؤلفه بعد جسمانی در روان‌شناسی و اقتصادی در جامعه‌شناسی، مؤلفه کالبدی که شامل ویژگی‌های عینی محیط است به دست آمد و شاخص‌های آن شامل: ارگونومی و استانداردهای فضایی، موقعیت و دسترسی، ابعاد و اندازه، سازمان‌دهی فضایی، ایمنی و امنیت فیزیکی، نور، مبلمان، رنگ، مصالح، فضای سبز، تأمین تنوع کاربری‌های خدماتی است. همچنین از تطبیق مؤلفه‌های عاطفی و شناختی در روان‌شناسی و مؤلفه فرهنگی در جامعه‌شناسی، مؤلفه ادراکی و شناختی که شامل ویژگی‌های ذهنی محیط است به دست آمد که شاخص‌های آن شامل: حس تعلق به مکان و خاطره‌انگیزی، هویت و توجه به ویژگی‌های فرهنگی، غنای حسی، امنیت ذهنی (تراکم مطلوب)، وجود عناصر نمادین، تأمین زمینه ماندن افراد در فضا، خوانایی، شخصی‌سازی مکان، نفوذپذیری بصری است. از تطبیق مؤلفه اجتماعی در روان‌شناسی و مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی

[ Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12 ]
[ DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.207.0 ]
[ DOI: 10.61186/jgs.24.73.358 ]

در جامعه‌شناسی، مؤلفه اجتماعی و ویژگی‌های افزایش تعاملات اجتماعی و جذب افراد به دست آمد؛ که شاخص‌های آن شامل: تأمین حضور تنوع افراد (سن؛ جنس، فرهنگ و...)، اختلاط کاربری (فرهنگی و اجتماعی، تفریحی؛ خرید و...)، فضاهایی جهت مشارکت و تعامل اجتماعی، افزایش فعالیت پیاده، فعالیت‌های شبانه‌روزی، برنامه و جشن‌ها، امکان تماشا مردم و شنیدن صدای آن‌ها، کنترل و نظارت، تنوع جاذبه‌ها می‌باشد (شکل (۷))؛ که در مدل تحلیلی – تطبیقی نحوه ارتباط و تأثیر شاخص‌ها در سه حوزه را نشان می‌دهد و ارتباط بین سرزندگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با سرزندگی محیطی را نشان می‌دهد. همچنین این عوامل باید با فرهنگ و مکان پژوهش تطبیق داده شود تا به‌صورت بومی در آیند که نیازمند پژوهش‌هایی کیفی مانند تئوری زمینه‌ای می‌باشد. همچنین تفاوت فرهنگ‌های مختلف در تعریف سرزندگی نشان می‌دهد که سرزندگی باید به‌صورت بومی و محلی بررسی شود اما در کشور ما اتفاق ناروایی که رخ داده است بی‌توجهی به معانی و مفاهیم حیات و زندگی در جهان‌بینی و فرهنگ خودی و تبعیت از معانی که از این واژه‌ها در فرهنگ بیگانه رایج هستند. در نتیجه با توجه به فرهنگ جمع‌گرا کشورمان طراحی فضاهای عمومی که پشتوانه‌ای برای شادی‌های جمعی است و توجه به عواملی که باعث افزایش جنبه‌های اجتماعی و جذب افراد در مشارکت فضاها می‌تواند راهگشا باشد. امید است که نتایج این پژوهش زمینه لازم شناخت بنیادی و کامل‌تر سرزندگی جهت پژوهش‌های کاربردی در کشورمان را فراهم آورد.

[ Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12 ]
[ DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.207.0 ]
[ DOI: 10.61186/jgs.24.73.358 ]

**شکل (۷). مدل تحلیلی و تطبیقی ارزیابی سرزندگی محیطی**

[ Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12 ]
[ DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.207.0 ]
[ DOI: 10.61186/jgs.24.73.358 ]

[ Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12 ]

[ DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.207.0 ]

[ DOI: 10.61186/jgs.24.73.358 ]

## منابع


اخوان، آرامین، صالحی، اسماعیل طغیانی، شیرین (۱۳۹۷). «**ارزیابی تأثیر عوامل محیطی- کالبدی بر سرزندگی و کیفیت خیابان‌های شهری**»، جغرافیا و پایداری محیط، (۲۷): ۱۵-۲۹.

الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۷). **معماری و راز جاودانگی: راه جاودانه ساختن**، (مهرداد قیومی بیدهندی)، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.

اینگهارت، رونالد.(۱۳۹۷). **تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی**، (مریم وتر)، تهران، انتشارات کویر.

بابایی عباس، کرکه آبادی زینب، کامیابی سعید.(۱۳۹۹). **موانع مدیریت شهری در زیست پذیری شهرها، مطالعهٔ موردی: شهر سمنان**. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی. ۲۰ (۵۸): ۳۱۸-۳۰۱

بندرآباد، علیرضا.(۱۳۹۰). **شهر زیست پذیر از مبانی تا مفاهیم**. تهران: انتشارات آذرخش، چاپ دوم.

پایمر، سای. (۱۳۹۲). **آفرینش مرکز شهری سرزنده**. مترجم م. بهزادفر،، ا. شکیبامنش، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.

جیکوبز، جین. (۱۳۹۶). **مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی**. ترجمه حمیدرضا پارسی؛ آرزو افلاطونی. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

چلپی، مسعود. (۱۳۸۳). **چارچوب مفهومی پیمایش ارزش‌های ایرانیان**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

خستو، م، سعیدی رضوانی، ن. (۱۳۸۹). **عوامل مؤثر بر سرزندگی فضای شهری. هویت شهر**، سال چهارم، شماره ۶.

دادپور، سارا. (۱۳۹۱). **معیارهای سرزندگی فضاهای شهری. جستارهای شهرسازی**، ۳۷، ۳۴ - ۳۹.

رضا دوست، کریم، نبوی، عبدالحسین، صالحی، نجمه. (۱۳۹۴). **بررسی تاثیر عوامل اجتماعی و روانی بر احساس نشاط (مطالعه موردی دانش آموزان ۱۶-۱۸ ساله شهر اهواز)**، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۶ (۳): ۱-۲۲.

سادات رضایی، طاهره. (۱۳۹۳). **اثربخشی آموزش مؤلفه‌های سرزندگی، بر تغییر رفتار مادران خانواده‌های درهم‌تنیده، با رویکرد ساختاری مینوچین**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا، ایران.

طاهر طلوع دل، محمدصادق، سادات، سیده اشرف. (۱۳۹۶). **مؤلفه‌های عامل ایجاد سرزندگی فضاهای زیستی**، معماری و شهرسازی پایدار، ۵ (۱).

عظیمی المیرا، ستارزاده داریوش، بلیلان لیدا، عبداله زاده طرف اکبر، فرامرزی اصل مهسا. (۱۳۹۹). **ارزیابی تأثیر عوامل کالبدی-محیطی فضاهای عمومی بر سلامت روان شهروندان (مطالعه مورد: شهر اردبیل)**. تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی. ۲۰ (۵۹): ۳۰۷-۳۱۹

عظمتی، سعید، مظفر، فرهنگ، حسینی، سید باقر. (۱۳۹۶). **اصول طراحی فضاهای باز دانشگاهی مبتنی بر سرزندگی خلاق و تعامل اجتماعی از نگاه متخصصان**، پژوهش در نظام های آموزشی، (۳۷).

عنبری، موسی. (۱۳۹۲). **ستایش‌های شادمانه الگوی مؤثر شادزیستی مردمی در ایران**، انسان‌شناسی، ۱۱ (۱۸)، ۱۰۱-۱۲۹.

محمدی، مریم. (۱۳۹۴). **سنجش سرزندگی در فضای شهری و ارائه راهکار نمونه موردی: حدفاصل میدان تجریش و میدان قدس**، طرح پژوهشی مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

گل، یان. (۱۳۹۴). **شهر انسانی**. ترجمه علی. غفاری؛ لیلا. غفاری. تهران: علم معمار رویال.۶۲-۸۹.

گنجی، م. (۱۳۸۷). **تحلیل عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر ایجاد شادی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان**. پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، گروه علوم اجتماعی.

گیدنز، آنتونی.(۱۳۹۷). **پیامدهای مدرنیت**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.

لنگ، جان. (۱۳۹۶). **آفرینش نظریه‌های معماری**. ترجمه علیرضا عینی فر. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم.

لینچ، کوین. (۱۳۹۵) **تئوری شکل شهر**. مترجم: سید حسین بحرینی، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

American institute of architects(AIA).**(** 2005 **).What makes a community livable**.

Cowen, E. L. (1994). **The enhancement of psychological wellness: Challenges and ppor unities.** American Journal of Community Psychology, 22,149-179.

Cowan, R. (2005). **The Dictionary of Urbanism**, Streewisc Prcss, London

Diener, E. (1984). **Subjective well-being.** Psychological Bulletin, 95, 542-575.Duijn, M, Rosenstiel, I. V., Schats, W, Smallenbroek, C, Dahmen, R. (2011). **Vitality and health: A lifestyle programme for employees,** European Journal of Integrative Medicine, 3, 97.

Diener, E. &R. Lucas.(2000). **Explaining Differences in Societal Levels of Happiness**. Journal of Happiness Studies.

Easterlin,Richard.(2003). **Explaining happiness,proceeding of the National Academy of Sciences,Department of Economics,University of Southern California,** Vol.100, No. 19, pp. 11176 -11183.

Galati, Dario & Manzona, Mayar & Lgor, Sotgio.(2006). **The subjective components of happiness and their attainment: a cross-cultural comparison between Italy and Cuba**, Social Science Information, Vol.45, No. 4.

Gratz, Roberta Brands.(2003). **authentic urbanism and Jane Jacobs legacy, in peter neal, ed, urban villages and the making communities**, London /NY:spon press.

-landry,Charles.(2000). **Urban Vitality: A New Source of Urban Competitiveness**, Prince Claus Fund Journal, ARCHIS issue 'Urban Vitality / Urban Heroes.

Lane, Robert.(2000). **Diminishing Returns to income: Companionship and happiness,** Journal of happiness studies,1:103-119.

Larice,Michael Angelo. (2005). **great neighborhood: the livability and morphology of high density neighborhood in urban north America,** doctoral dissertation, dept of city and regional planning, university of California, Berkeley.

Myers, David. (1987). **Community-Relevant Measurement Of Quality Of Life:A Focus On Local Trends.** Urban Affairs Quarterly, 23:1.

Paul, A., Sen, J. (2018). **Livability assessment within a metropolis based on the impact of integrated urban geographicfactors (IUGFs) on clustering urban centers of Kolkata.** Cities. Vol: 74, pp: 142-150.

[ Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12 ]
[ DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.207.0 ]
[ DOI: 10.61186/jgs.24.73.358 ]

Pickvance.(2005). **The Four Varieties of Comparative Analysis: the Case of Environmental Regulation, Paper Presented on the Conference on Small and Large-N omparative Solutions,** 22-23 September, University of Sussex.

Ryan, R. M. Frederick, C.M. (1997). **On energy, personality and health: subjective vitality as a dynamic reflection of well-being.** Personality, 65: 529-565.

Ryff, C. D. (1995). **Psychological well-being in adult life,** Current Directions in psychological -Science, 41, 99-104.

R. Saadat., & M. R. Abedi.(2011). **he effect of participation in development- centered work councils on job satisfaction and vitality in staff, Quarterly**. Journal of Career & Organizational Counseling.Vol, 3/ No, 8/ Fall 2011, 85-109.

Sixsmith, Judith.(1986). **The meaning of home: an exploratory study of environmental experience, London, Academic Press Inc.,** in: Journal of Environmental Psychology, 6, 281-298.

Solberg, P. A., Hopkins, W.G., Ommundsen, Y., Halvari, H. (2012). **Effects of three training types on vitality among older adults: A self-determination theory perspective**. Psychology of Sport and Exercise, 13.407-417.

Schyns,Peggy.(1998). **Cross National Differencesin Happiness:Economic And cultural Factores Explored,** Social Indicator Research,43:3-26.

Timmer, V., & Seymoar, N.**(** 2009**).Vancouver Working Group Discussion Paper**.

Ott, jan.(2001). **Didthe market Depress happinessin the US?.** Journal of happiness studies,2:433-443.

Oldenburg, R. (1999). **The great good place: Cafes, coffee shops, bookstores, bars, hair salons, and other hangouts at the heart of a com-munity.** Washington: Marlowe & Company.

[ Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12 ]

[ DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.207.0 ]

[ DOI: 10.61186/jgs.24.73.358 ]